

شکاف پاسخگویی بیرونی دانشگاهها از دیدگاه جامعه علمی

محمد حسن پرداختچی^۱، عباس بازرگان^۲، حمید رضا آراسته^۳ و گشتاسب مظفری^{۴*}

چکیده

پاسخگویی بیرونی دانشگاه به معنای تعهد و مسئولیت پذیری آن به‌منظور تأمین خواسته‌ها و منافع مشروع ذینفعان بیرونی و گزارش‌دهی به آنان در باره نتایج و دستاوردهای دانشگاه است. پاسخگویی بیرونی مناسب می‌تواند اعتماد، مشروعیت، مشارکت و حمایت ذینفعان بیرونی دانشگاه را به همراه داشته باشد و در موفقیت و تعالی دانشگاه نقش کلیدی دارد. بر این اساس، هدف این مقاله بررسی شکاف پاسخگویی بیرونی دانشگاههای دولتی از دیدگاه جامعه علمی دانشگاههای «مادر» دولتی شهر تهران است. در مطالعه توصیفی-تحلیلی حاضر شکاف پاسخگویی بیرونی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و در سطح یک نمونه آماری شامل ۳۵۰ نفر از اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و دانشجویان دکتری از سه دانشگاه «مادر» دولتی تهران، شهید بهشتی و صنعتی شریف، که به شکل تصادفی انتخاب شدند، بررسی شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که از دیدگاه جامعه علمی، میزان پاسخگویی بیرونی دانشگاههای «مادر» دولتی به ذینفعان بیرونی کلیدی ضعیف است و اختلاف معناداری بین وضعیت آرمانی و وضعیت موجود پاسخگویی بیرونی وجود دارد. بیشترین میزان این شکاف به ترتیب در ارتباط با پاسخگویی دانشگاه به ذینفعان بازار کار، جامعه علمی و جامعه مدنی است. در حالی که پاسخگویی به دولت بیش از حد انتظار است. در نتیجه، دانشگاههای دولتی باید از یک سو شکاف پاسخگویی بیرونی به بازارکار، جامعه علمی و جامعه مدنی را پر کنند و از سوی دیگر، با اتخاذ سیاستها و تدابیر عملی مؤثری از وابستگی بیش از حد خود به دولت بکاهند.

کلید واژگان: دانشگاه، پاسخگویی، ذینفعان، جامعه علمی، آموزش عالی.

۱. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران: M_Pardakhtchi@sbu.ac.ir

۲. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران: abazargan@ut.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: arasteh@tmu.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* مسئول مکاتبات: g_mozafari@sbu.ac.ir

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۲۸

مقدمه

نهادهای تولید و اشاعه دهنده دانش از جمله دانشگاه نقش کلیدی در اقتصاد دانش محور ایفا می کنند (Danaeifard, 2007). هر چند در جوامع فرا صنعتی و دانش بنیان امروزی نقش محوری تحول و توسعه بر عهده دانشگاه است، در عین حال، برآورده نشدن انتظارات ذینفعان بیرونی^۵ از دانشگاه انگیزه و اشتیاقی جدیدی را برای به نقد کشیدن دانشگاه به وجود آورده است. در صورتی که دانشگاه در پاسخگویی به نیازهای جامعه و برآورده ساختن انتظارات ذینفعان کوتاهی کند، با انتقادهای بنیادی تر و شدیدتری مواجه خواهد شد. در واقع، به هر اندازه که توانمندی، قدرت و سهم دانشگاه در خلق مزیت های نوین مانند اقتصاد دانش محور بیشتر می شود، به همان اندازه نیز مسئولیتهای آن در مقابل ذینفعانش بیشتر می شود و لازم است پاسخگویی^۶ آن نیز بیشتر از گذشته باشد. با پذیرش نقشها، کارکردها و مسئولیتهای دانشگاه، این نهاد چگونه باید به ازای منابع، اختیارات، نفوذ و مشروعیتی که از سوی ذینفعان بیرونی کسب می کند، پاسخگو باشد و نیازها، خواسته ها و انتظارات متفاوت و بعضاً متضاد آنان را برآورده سازد؟ ذکر این نکته ضروری است که هر چند ایجاد تعادل در روابط میان دانشگاه با جامعه علمی، دولت، بازارکار و جامعه مدنی مستلزم «پاسخگویی متقابل»^۷ همه آنهاست، ولی تأکید اصلی این پژوهش بر پاسخگویی دانشگاه به عنوان اثرگذارترین و مهم ترین نهاد در تولید سرمایه انسانی^۸ و سرمایه اجتماعی^۹ در عصر دانش^{۱۰} است. در نهایت، در این مطالعه، به عنوان نخستین تجربه در مطالعه پاسخگویی بیرونی دانشگاه های دولتی ایران، تلاش شده است تا با توجه به اهمیت این مقوله در آموزش عالی معاصر، زمینه های لازم برای ایجاد حساسیت و جلب توجه سیاستگذاران و مجامع علمی ذی ربط به موضوع پاسخگویی دانشگاه فراهم شود.

پاسخگویی یکی از چالشهای مهمی است که امروزه، نه تنها نهاد آموزش عالی، بلکه تمام نهادهای عمومی با آن مواجه اند. هر نهاد عمومی اثربخش، نیازمند یک نظام مؤثر پاسخگویی است (Day and Klein, 1987). جهانی شدن اقتصاد و تشدید رقابت بین عاملان اقتصادی در نظامهای آموزش عالی ضرورت پاسخگویی نظامهای مذکور به نیازهای جامعه را موجب شده است، به طوری که مرل هکبارت^{۱۱} مناسب ترین نام برای نظام آموزش عالی در دهه ۱۹۹۰ را عصر پاسخگویی می داند (Detch et al., 2001) و مسئولان آموزش عالی دولتی آمریکا موضوع اثربخشی و پاسخگویی را در ردیف پنج اولویت اول آموزش عالی طی دهه نود میلادی ذکر کرده اند.

5. External Stakeholders
6. Accountability
7. Mutual Accountability
8. Human Capital
9. Social Capital
10. Knowledge Era
11. Merl Hackbart

در آستانه قرن جدید نظامهای آموزش عالی با تغییرات جدیدی مواجه‌اند که عده‌ای این تغییرات را ترکیبی از «استقلال بیشتر و پاسخگویی بیشتر» نامیده‌اند (Sanyal, 2000). لذا، پرداختن به پاسخگویی دانشگاه از ابعاد گوناگون اهمیت دارد (Des Rosiers, 2008). در این خصوص، واگنر (Wagner, 1989) پاسخگویی در آموزش و پرورش را با دیدگاه فلسفی تجزیه و تحلیل کرده و معتقد است که اگر سازمانها و مؤسسات آموزش عالی به جای تأکید بیش از حد بر استقلال، خود را بیشتر پاسخگو می‌دانستند، انتقادات از آنها به حداقل می‌رسید. البته، توافق بر سر موضوع پاسخگویی دانشگاه کار چندان راحتی نیست. میان مقامات دولتی و جامعه علمی تنشهای پایداری در زمینه پاسخگویی وجود داشته است. مقامات دولتی عمدتاً دانشگاهها را بسیار رمزآلود، واکنشی و آماده حمله به نیروهای بیرونی به بهانه «آزادی علمی»^{۱۲} و «استقلال دانشگاهی»^{۱۳} می‌دانند. در مقابل، دانشگاهها نیز مقامات دولتی را ناآگاه، غیر قابل اعتماد و به دور از واقع‌گرایی می‌دانند (Leveille, 2005). هر چند پاسخگویی دانشگاه در طول سالیان گذشته از نظر اهداف، ساختار و شیوه‌ها دچار تغییر و تحول زیادی شده و در این مسیر مدافعان و منتقدان سرسختی داشته است، ولی علی‌رغم تفاسیر متفاوت و گاه متضادی که از مفهوم پاسخگویی وجود دارد، حداقل در برخی از ابعاد مهم آن از جمله در موارد زیر توافق حاصل شده است:

- آموزش عالی منبع اصلی و عامل کلیدی موفقیت‌های اقتصادی دولتها و شهروندان است و افزایش دانایی در عصر حاضر به معنای افزایش قدرت و ثروت جوامع است.
- کیفیت آموزش عالی را نمی‌توان از طریق تمرکز بر ورودیها، منابع و شاخصهایی مانند نسبت استاد به دانشجو، فضا و تجهیزات آموزشی، میزان کتابهای موجود در کتابخانه یا حتی میزان منابع و اعتبارات در اختیار ارزیابی کرد. در حالی که تأکید بر عملکرد، محصولات و پیامدهای آموزش عالی می‌تواند نتایج بهتری در ارتقای کیفیت داشته باشد.
- ذینفعان آموزش عالی این حق را دارند که از نتایج و دستاوردهای دانشگاه آگاه شوند.
- نظام پاسخگویی می‌تواند اطلاعات عملکرد دانشگاه را برای ذینفعان آن فراهم سازد و به بهبود عملکرد دانشگاه منجر شود (Wagner, 1989). بنا بر دلایل یادشده، موضوع پاسخگویی آموزش عالی اهمیت دارد (Burke, 2004).

به نظر می‌رسد بنا به دلایل تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، تاکنون در کشور ایران به موضوع پاسخگویی به شکل علمی و نظام‌مند پرداخته نشده و در خصوص پاسخگویی به شکل عام و پاسخگویی دانشگاه به شکل خاص بصیرت کافی به‌دست نیامده است. بررسی سیر توسعه و تکوین آموزش عالی در کشور ایران نیز نشان می‌دهد برای اولین بار موضوع «استقلال دانشگاهها» و تفویض اختیارات به آنها در برنامه چهارم تصویب (Sabouhi and Akhlaghi, 2007) و دولت موظف شده است دانشگاهها

12. Academic Freedom

13. University Autonomy

را به منظور توانمندساختن آنها برای «پاسخگویی» به نیازهای بخشهای مختلف کشور نوسازی و بازسازی کند. فشار مستمر از سوی جامعه، کارفرمایان، دانشجویان و سایر ذینفعان برای مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و شفافیت هر چه بیشتر نظام آموزش عالی، دانشگاه را به بازاندیشی در ساختار، رسالت، اهداف کارکردها و فرایندهای خود وادار ساخته است (Rahimi et al., 2002).

مروری بر قانون تشکیل هیئتهای امنا در کشور ایران نشان می‌دهد که وظایف مربوط به استقلال و پاسخگویی به صراحت در آن درج نشده است و این مهم در میان دغدغه‌ها و اولویتهای اعضای هیئت‌امناى دانشگاههای ایران جایگاه خوبی ندارد. وظیفه پاسخگویی از دیدگاه اعضای هیئت امنا در اولویت آخر قرار دارد (Azargoshasb et al., 2007). در حالی که به نظر می‌رسد این شرایط حداقل در دانشگاههای دولتی که از منابع عمومی بهره می‌برند، باید برعکس باشد و تمام وظایف، برنامه‌ها و فعالیتهای نهادهای دانشگاههای دولتی اعم از هیئت امنا، مدیران، اعضای هیئت‌علمی و کارکنان بر اساس تفکر تأمین منافع و پاسخگویی به مشتریان و ذینفعان دانشگاه استوار باشد تا ضمن جلب اعتماد دولت و جامعه، به آنها اطمینان دهد که درآمدها و منابع مالی و اقتصادی دانشگاه به بهترین نحو ممکن هزینه می‌شود و فعالیتهای و عملکردهای آن در جهت رفع نیازهای جامعه و توسعه کشور است و برنامه‌ها و تشکیلات دانشگاهی با مقتضیات کشور در زمینه توسعه و ترقی همسوست (Rahimi et al., 2002).

در این خصوص، توفیقی (Toufighi, 2006) یکی از دلایل پاسخگو نبودن دانشگاههای ایران را مدیریت متمرکز در آنها می‌داند و معتقد است: «دانشگاه پاسخگو نبوده است، چون اختیار نداشته است. مسئولیت و پاسخگویی در کنار یکدیگرند. اگر پاسخگویی دانشگاه به نیازهای جامعه خواسته ذینفعان است، باید در ازای مسئولیتهایی که از دانشگاه انتظار می‌رود، به آن اختیارات (استقلال) کافی نیز داده شود. در غیر این صورت، رئیس دانشگاه به‌جای پاسخگویی به جامعه، مردم و دانشجویان، خود را به وزیر و دولت پاسخگو می‌داند».

بنابراین، به نظر می‌رسد که در موضوع وجود نداشتن یا حداقل ضعف پاسخگویی دانشگاه در کشور ایران و ضرورت بهبود و ارتقای آن در بین مدیران کلان و صاحب‌نظران آموزش عالی یک اتفاق نظر وجود دارد و لازم است مسئله پاسخگویی دانشگاه در ایران به روش علمی تجزیه و تحلیل و راهکارهای اثربخشی برای ارتقای آن استخراج و به‌کار گرفته شود.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت از آنجا که دانشگاه با همه استقلال و آزادی علمی که بر مبنای هنجارهای زندگی دانشگاهی در درون آن باید پا برجا باشد، در برابر ذینفعان متعدد و عموم جامعه نیز مسئولیت پاسخگویی دارد (Keyvani and Farasatkah, 2002) و اگر به دیدگاهها و نیازهای ذینفعان توجه نکند، به اعتراض و نارضایتی آنان منجر خواهد شد و دستیابی به اهداف دانشگاه بدون مشارکت واقعی ذینفعان امکان‌پذیر نخواهد بود (Neligan, 2003) و برای همگام‌سازی نظام

آموزش عالی کشورمان با تحولات جهانی، سازکار اجرایی قدرتمندی که می‌تواند چاره ساز باشد، استقرار نظام پاسخگویی است (Ezati, 2007)؛ لذا، لازم است به موضوع مطالعات مربوط به پاسخگویی دانشگاه در کشور ایران نیز اهمیت داده شود.

این پژوهش در پی آن بود که از طریق مطالعه و تحلیل دیدگاه جامعه علمی^{۱۴} به مقوله پاسخگویی بیرونی^{۱۵} در دانشگاه‌های «مادر» دولتی^{۱۶} یا به عبارت دیگر، پاسخگویی آنها به ذینفعان بیرونی کلیدی^{۱۷} شامل دولت^{۱۸}، بازار کار^{۱۹}، جامعه مدنی^{۲۰} و جامعه علمی^{۲۱} نشان دهد که از نظر جامعه علمی اولاً پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی به کدامیک از ذینفعان بیرونی کلیدی اهمیت بیشتری دارد؟ ثانیاً آیا دانشگاه‌های دولتی در پاسخگویی به ذینفعان مورد نظر و تأمین انتظارات آنان موفق بوده‌اند؟ و در نهایت، آیا بین انتظارات جامعه علمی و میزان پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی به آن شکاف^{۲۲} (اختلاف) معناداری وجود دارد؟

هرچند پاسخگویی موضوع جدیدی نیست، ولی برای بازشکافی و تبیین علمی مفهوم پاسخگویی تلاش زیادی صورت نگرفته است. این مفهوم پیچیده و چندلایه است. شفافیت، ارزیابی، نظارت، کنترل و حسابرسی مفاهیم نزدیک و مرتبط با پاسخگویی‌اند، ولی هیچ‌کدام از آنها نمی‌توانند جایگزین مفهوم پاسخگویی باشند. فیوضات (Fiouzat, 1977) به نقل از نزویج^{۲۳} ارزیابی و پاسخگویی را مفاهیم مکمل هم می‌داند. در همین خصوص، عزتی (Ezati, 2007) نیز به نقل از استوارت و لندن^{۲۴} می‌نویسد: «پاسخگویی متفاوت از کنترل یا حسابرسی است. کنترل و حسابرسی شدید ممکن است به از بین رفتن خلاقیت و تفکرات نوآورانه که عامل مهم در رشد و پیشرفت سازمان است، منجر شود. این امر به‌ویژه در امور و فعالیتهای حرفه‌ای مانند تدریس، تحقیق و ارائه خدمات علمی که انعطاف‌پذیری در برنامه‌های کاری از ضروریات آن است، درخور توجه است».

پاسخگویی یکی از راههای ایجاد اعتماد عمومی است (Alvani and Danaeifard, 2001). پاسخگویی به‌مثابه نیرویی است که بر بازیگران کلیدی فشار وارد می‌آورد تا در قبال عملکرد خود مسئول باشند (Turner and Hulme, 1997). پاسخگویی آمادگی برای بازخواست شدن است. بازخواست شدن و مورد سؤال قرار گرفتن در باره مسئولیت محول شده، مقدمه پاسخگویی است (Duff, 2009).

14. Academic Society

15. External Accountability

16. Public(state) Mother Universities

17. Key External Stakeholders

18. State(government)

19. Labor Market

20. Sivil Society

21. Academic(scientific) Society

22. Gap

23 . Kenzevich

24. Stuart and Landan

رضایت ذینفعان مهم‌ترین هدف پاسخگویی و رسیدگی به شکایات آنان یکی از بخشهای اصلی هر نظام پاسخگویی است (UNDP, 2007). آراسته هدف از پاسخگویی در آموزش عالی را نهادینه کردن استانداردهای قابل قبول برای رشته‌های تحصیلی و مسئولیت‌پذیری مراکز آموزش عالی می‌داند (Arasteh, 2005). پاسخگویی در آموزش عالی سه حوزه پاسخگویی به دولت، مصرف‌کنندگان و به‌خصوص دانشجویان و به عموم مردم را شامل می‌شود (Rahimi et al., 2001).

دانشگاهها با دو نوع پاسخگویی داخلی که شامل پاسخگویی درون سازمانی است و بیشتر جنبه خودارزیابی و خودآزمایی دارد و نیز پاسخگویی خارجی که شامل مسئولیت‌پذیری دانشگاه در مقابل ذینفعان بیرونی است، مواجه‌اند (Gortner et al., 2007).

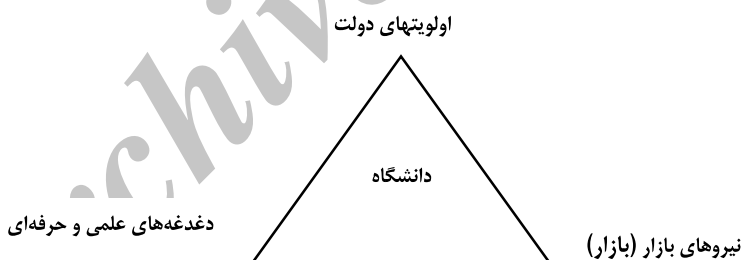
از آنجا که این مطالعه بر پاسخگویی خارجی؛ یعنی پاسخگویی به ذینفعان بیرونی تمرکز دارد، لازم است تصویر روشنی از ذینفعان بیرونی دانشگاه ارائه شود. منظور از ذینفعان بیرونی دانشگاه افراد و نهادهای خارج از محیط دانشگاه است که منافع و علایقی در دانشگاه دارند و به نوعی عملکرد دانشگاه تحت تأثیر تصمیم‌گیرها و اقدامات آنهاست یا وضعیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و لازم است دانشگاه به‌ازای تصمیم‌هایی که می‌گیرد یا اقداماتی که انجام می‌دهد، در مقابل آنها پاسخگو باشد.

هر چند برای دانشگاه به‌عنوان یک نظام اجتماعی پیچیده می‌توان ذینفعان بیرونی متعددی در نظر گرفت، ولی در این تحقیق بر اساس مطالعات نظری و شواهد تجربی، دولت، جامعه علمی، جامعه مدنی و بازار کار به‌عنوان ذینفعان اصلی بیرونی دانشگاه در نظر گرفته شده‌اند. منظور از دولت نهادهای حکومتی خارج از محیط دانشگاه است که به نمایندگی از حکومت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم مسئولیت تدوین خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات نظام آموزش عالی کشور، تأمین بخش اعظم منابع مالی و نظارت بر عملکرد دانشگاهها را برعهده دارند. منظور از جامعه علمی اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و دانشجویان دکتری هستند که فعالیت اصلی آنان مشارکت در فرایند تولید، انتقال و انتشار علم است. بازار کار بخشی از نظام اقتصادی (بازار) است که در آن عرضه و تقاضا برای تخصص‌ها، مهارت‌ها و نیروی کار دانش‌آموختگان دانشگاهی شکل می‌گیرد. نیروهای بازار بیانگر نیازهای درحال تغییر صاحبان کسب و کار، مشتریان و مصرف‌کنندگان خروچیها و محصولات دانشگاه است (Burke, 2004). جامعه مدنی عبارت از نهادها و تشکلهای خارج از محدوده دولت و حکومت است که از سوی مردم و برای پیگیری و تأمین نیازها، خواسته‌ها و مطالبات شهروندان تأسیس و به وسیله خود مردم و با منابع مالی غیر دولتی و اهداف غیر اقتصادی اداره می‌شوند. این نهادها و تشکلهای به شکل داوطلبانه یا خیریه فعالیت می‌کنند و به دنبال کسب سود و درآمد برای خود یا اعضای خود نیستند.

بررسیها و مطالعات پاسخگویی به‌ویژه در حیطه آموزش عالی نسبتاً جدید است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ اثر یا نشانه خاصی از نهضت پاسخگویی در آموزش عالی به چشم نمی‌خورد. در این سالها گروههای منتقد و معترض انتقاداتی از کارکرد مخرب، خنثی و ناکارآمد دانشگاهها و عدم توجه آنها به رسالتها و

مأموریت‌های واقعی خود مطرح کردند و از این طریق، رهبری و مدیریت دانشگاه‌ها را به چالش کشاندند (Linn, 2000). سالهای پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ با گسترش کوچک‌سازی و تمرکززدایی در دولتها همراه بود. به همین دلیل، هدف پاسخگویی دانشگاه‌ها نیز به سمت افزایش بهره‌وری متمایل شد. در سالهای ابتدایی هزاره سوم و قرن ۲۱ به نظر می‌رسد موضوع اعتماد دوباره در کانون مباحث مربوط به پاسخگویی دانشگاه‌ها قرار گرفته است (Burke, 2004: 6-9). هم اکنون پاسخگویی در آموزش عالی کشورهای پیشرفته مانند آمریکا و کشورهای اروپای غربی در کانون مباحث، دیدگاه‌ها و پارادایم‌های جدید آموزش عالی قرار دارد و ارتقای عملکرد، اطمینان از کیفیت، کسب و حفظ اعتماد عمومی به آموزش عالی، اهداف غایی نظام‌های پاسخگویی دانشگاه‌ها به‌شمار می‌رود (Lingenfelter, 2005).

بورک (Burk, 2004) در یک جمع‌بندی شش نوع مدل یا الگوی پاسخگویی آموزش عالی را معرفی کرده است: پاسخگویی بوروکراتیک^{۲۵}، پاسخگویی حرفه‌ای^{۲۶}، پاسخگویی سیاسی^{۲۷}، پاسخگویی مدیریتی^{۲۸}، پاسخگویی بازار^{۲۹} و پاسخگویی بازار تحت مدیریت^{۳۰}. در این میان، وی بر سه الگوی پاسخگویی سیاسی که متأثر از اولویتهای دولت^{۳۱} است، پاسخگویی حرفه‌ای که تحت تأثیر دغدغه‌های علمی شکل می‌گیرد و پاسخگویی بازار که نیروهای بازار آن را شکل می‌دهند، تأکید و الگوی سه ضلعی پاسخگویی^{۳۲} آموزش عالی را ارائه کرده است (شکل ۱).



شکل ۱ - الگوی سه ضلعی پاسخگویی آموزش عالی (Burket, 2004)

25. Bureaucratic

26. Professional

27. Political

28. Managerial

29. Market

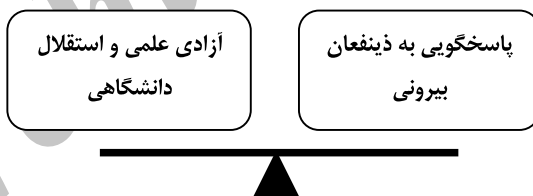
30. Managed Market

31. State Priorities

32. Accountability Triangle

در کنار نیروها و جریانهای مؤثر بر پاسخگویی دانشگاه، دو اصل کلیدی آزادی علمی و استقلال دانشگاهی نیز فرایند پاسخگویی دانشگاه را متأثر می‌سازند. آزادی علمی عبارت است از: آزادی جامعه علمی (اعضای هیئت علمی، پژوهشگران و دانشجویان) برای پیگیری و عملی ساختن فعالیتهای خود (آموزشی، پژوهشی، خدمات اجتماعی و مشارکت در اداره دانشگاه) در چارچوبی که همان جامعه علمی تعیین کرده است، با احترام به اصول و موازین اخلاقی و حرفه‌ای و استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی بدون احساس فشارهای بیرونی (UNESCO, 2008). منظور از آزادی علمی آزادیهای سیاسی و اجتماعی جامعه علمی نیست. آزادی علمی به وظایف و مسئولیتهای علمی و دانشگاهی اعضای هیئت علمی محدود می‌شود.

استقلال دانشگاهی درجه‌ای از وابسته نبودن دانشگاه به منابع، نیروها، جریانها و دخالت‌های بیرونی به‌ویژه دولت است. دانشگاه با بهره‌گیری از استقلال می‌تواند ساختار و نظامهای داخلی خود را تنظیم و اداره کند. آزادی در کسب و اشاعه دانش و خدمات اجتماعی در سایه استقلال دانشگاه تحقق می‌یابد. همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، پاسخگویی بیرونی دانشگاه باید هماهنگ با اصول آزادی علمی و استقلال دانشگاهی صورت گیرد. اگر پاسخگویی با این اصول در تضاد باشد، یا دانشگاه نتواند تعادل میان آزادی علمی و استقلال دانشگاهی از یک سو و پاسخگویی به ذینفعان بیرونی را از سوی دیگر برقرار کند، به سمت الگوهای ناکارآمد مدیریتی حرکت خواهد کرد که ممکن است یا دانشگاه را منزوی سازد یا به تابعیت و پیروی بی چون و چرا از نیروها و فشارهای بیرونی گرفتار کند. چنین دانشگاهی نخواهد توانست عملکرد سازنده و متعالی داشته باشد و به احتمال فراوان دچار ناکارآمدیها و اختلالات مهم عملکردی خواهد شد.



شکل ۲ - تعادل میان اصول آزادی علمی و استقلال دانشگاهی با اصل پاسخگویی به ذینفعان بیرونی

بر اساس نتایج به‌دست آمده از بررسی مبانی نظری، پیشینه تحقیق و شواهد تجربی و با محور قرار دادن الگوی سه ضلعی پاسخگویی بورک و همکاران (شکل ۱)، چارچوب مفهومی پاسخگویی دانشگاهی دولتی ایران در قالب یک الگوی چهار ضلعی طراحی و مبنای پژوهش قرار گرفت. در این الگو دو اصل و هنجار کلیدی و پذیرفته شده مدیریت دانشگاه؛ یعنی آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و نیز ذی‌نفع بیرونی کلیدی چهارمی به نام «جامعه مدنی» به الگوی پاسخگویی بورک و همکاران افزوده شد. چرا که

به نظر می‌رسد اولاً آزادی علمی و استقلال دانشگاهی در معرض تهدید قرار دارد و صیانت از آنها ضروری است و نباید به بهانه پاسخگوسازی دانشگاهها این دو ارزش محوری مدیریت دانشگاهی آسیب ببیند و ثانیاً دولت به تنهایی نمی‌تواند تمام انتظارات ذینفعان بیرونی به‌ویژه شهروندان از دانشگاه را نمایندگی و پیگیری کند. با این فرضها، دو اصل محوری آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و نیز ذینفع یا کنشگر دیگری به نام «جامعه مدنی» به‌عنوان حلقه واسط میان شهروندان و دولت، وارد مدل مطالعه شد (شکل ۳).



شکل ۳ - چارچوب مفهومی پاسخگویی دانشگاههای دولتی

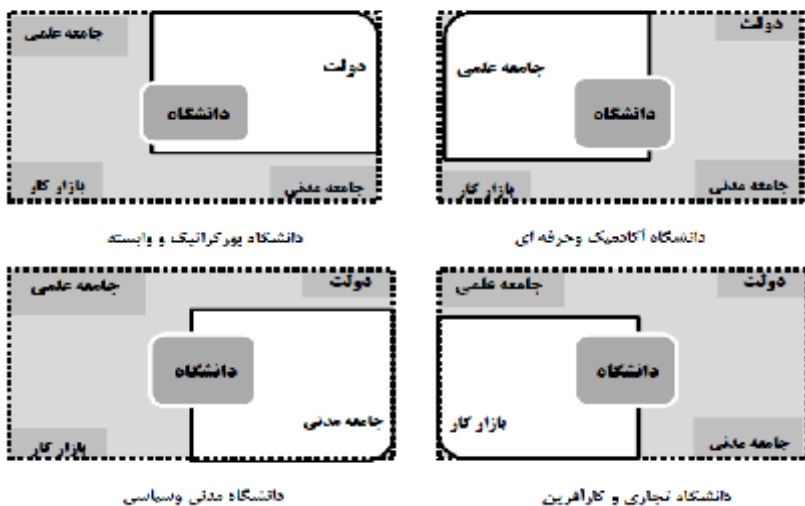
همان‌گونه که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، در این مدل شرایط مطلوب پاسخگویی زمانی به‌دست می‌آید که دانشگاه اولاً میان پاسخگویی به ذینفعان بیرونی از یک سو و دو اصل آزادی علمی و استقلال دانشگاهی از سوی دیگر، تعادل و توازن ایجاد کند و ثانیاً در روابط پاسخگویانه خود با ذینفعان چهارگانه به نوعی تعادل و توازن برسد. پس کیفیت پاسخگویی دانشگاه تحت تأثیر دو اصل آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و نیز خواسته‌ها، اولویتها، نیروها و انتظارات دولت، جامعه علمی، جامعه مدنی و بازار کار قرار دارد. مبتنی بر میزان التزام به آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و چگونگی ارتباط و شدت پاسخگویی و تمایل دانشگاه به سمت هر یک از این ذینفعان بیرونی کلیدی چهارگانه، حداقل چهار مدل پاسخگویی زیر را می‌توان استخراج کرد:

۱. **دانشگاه آکادمیک و حرفه‌ای:** این نوع دانشگاهها به شیوه سنتی تمایل شدیدی برای حفظ انسجام نهادی و تمایز با سایر نهادهای اجتماعی دارند و دانشگاهیان در آن اصرار زیادی بر حفظ این تمایز و فعالیت بر محور اصول، ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای جامعه علمی دارند. انحراف از هنجارهای علمی به هیچ‌وجه پذیرفته نیست و اعتقاد و تمایل چندانی به پاسخگویی دانشگاه به افراد یا نهادهای خارج از دانشگاه و نامتجانس وجود ندارد.
۲. **دانشگاه بوروکراتیک و وابسته:** این نوع دانشگاهها هر چند تمایل زیادی به کسب استقلال دارند، ولی به‌دلیل وابستگی شدید به منابع دولتی از استقلال دانشگاهی واقعی برخوردار نیستند. آزادی علمی نیز به‌دلیل ارتزاق دانشگاه از منابع دولتی نمی‌تواند به معنای واقعی آن محقق شود.

مهم‌ترین وجه پاسخگویی در این گونه دانشگاهها، پاسخگویی بوروکراتیک و در سلسله مراتب اداری به مقامات بالاتر و نیز پاسخگویی قانونی به‌ازای منابع مالی دولتی در اختیار دانشگاه است.

۳. **دانشگاه تجاری و کارآفرین:** این نوع دانشگاه به کمکهای دولتی وابستگی شدیدی ندارد و لذا، ساختار و مدیریت آنها کمتر تحت تأثیر مقررات دولتی است. این دانشگاهها مهم‌ترین رسالت و مأموریت خود را تأمین نیازها، خواسته‌ها و سفارشهای بازار کار می‌دانند. تأثیرپذیری این نوع دانشگاهها از تحولات و روندهای بازار چنان شدید است که ممکن است بسیاری از اصول و هنجارهای علمی و دانشگاهی را نیز زیر پا بگذارند و عملاً به نوعی بنگاه تجاری تبدیل شوند. این در حالی است که پاسخگویی دانشگاه صرفاً پاسخگویی به تقاضاهای صنعت و بازار نیست، بلکه مسئولیت پاسخگویی به مسائل جامعه را نیز عهده‌دار است.

۴. **دانشگاه مدنی و سیاسی:** دانشگاههای مدنی و سیاسی بیشتر از هر نهاد دیگری با نهادهای اجتماعی و سیاسی [نه لزوماً نهاد قدرت] در ارتباط هستند و تحت تأثیر شدید فضای اجتماعی-سیاسی قرار دارند. همراهی و حتی پیشتازی در جنبشها و حرکت‌های مدنی و تقویت جریان همبستگی اجتماعی از مشخصه‌های این نوع دانشگاههاست. در این نوع دانشگاهها ممکن است تمایل بیش از حد به فعالیتها و مشارکتهای سیاسی اجتماعی، کارکردهای اصلی دانشگاه به‌عنوان یک نهاد علمی را مختل و دانشگاه را از ماهیت ذاتی خود دور سازد.



شکل ۴ - الگوهای چهارگانه مدیریت پاسخگویی در دانشگاههای دولتی

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف جزو تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است. بر حسب موقعیت و نوع داده‌های مورد نیاز، برای جمع‌آوری و ارزیابی داده‌ها از روشهای مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شد. در مرحله پیمایش، داده‌های کمی مربوط به دیدگاههای جامعه علمی با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. در ادامه با استفاده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی داده‌های جمع‌آوری شده توصیف و تحلیل شدند.

قلمرو موضوعی تحقیق شامل شناخت ادراکات و ارزیابیهای جامعه علمی از نحوه پاسخگویی بیرونی دانشگاههای «مادر» دولتی در سطح سازمانی^{۳۳} (دانشگاه) و قلمرو مکانی آن شهر تهران بود. جامعه آماری تحقیق شامل اعضای هیئت علمی تمام وقت، پژوهشگران و دانشجویان دکتری دانشگاههای «مادر» دولتی سطح شهر تهران شامل دانشگاههای تربیت مدرس، تهران، شهید بهشتی، صنعتی امیرکبیر، صنعتی شریف و علم و صنعت ایران بر اساس تعریف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود (Khaleghi, 2007). بر اساس آمارهای به‌دست آمده از مراجع رسمی معتبر^{۳۴} در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، تعداد کل جامعه آماری حدود ۱۲۶۸۰ نفر برآورد شد. با فرض مشابه بودن تقریبی شرایط پاسخگویی دانشگاههای «مادر» دولتی، ابتدا به روش تصادفی ساده سه دانشگاه (تهران، شهید بهشتی و صنعتی شریف) از میان شش دانشگاه یادشده انتخاب شدند. با استفاده از نرم‌افزار محاسبه تعداد نمونه^{۳۵} (ضریب برگشت ۶۰٪ و خطای ۵٪) حجم نمونه به تعداد ۳۵۰ نفر به‌دست آمد. این نمونه به تناسب سهم هر دانشگاه و به روش تصادفی خوشه‌ای به دانشگاههای مورد مطالعه تخصیص یافت و در هر دانشگاه نیز به‌صورت خوشه‌ای در میان دانشکده‌ها، پژوهشکده‌ها و گروههای آموزشی مختلف توزیع شد. انتخاب نمونه‌ها در هر گروه به شکل تصادفی ساده بود. این پرسشنامه دیدگاهها و دریافتهای جامعه مورد مطالعه را با استفاده از طیف لیکرت دو وضعیتی (وضعیت مطلوب و وضعیت موجود) ارزیابی می‌کرد. برای ارزیابی رویی صوری و محتوایی، این پرسشنامه ابتدا در اختیار تعداد ۱۵ نفر از استادان، صاحب‌نظران و کارشناسان آموزش‌عالی قرار گرفت و پس از اعمال نظرهای آنان، اشکالات پرسشنامه برطرف شد. سپس، به‌صورت آزمایشی در اختیار ۳۰ نفر از پاسخگویان نمونه اصلی قرار گرفت و پس از تکمیل و استخراج داده‌ها، آزمون آلفای کرونباخ اجرا شد که ضریب ۰/۸ در حد قابل قبول به‌دست آمد. پس از کسب اطمینان از روایی و پایایی، پرسشنامه برای تمام پاسخگویان به دو شکل حضوری و اینترنتی (همزمان) ارسال و تعداد ۳۲۰ پرسشنامه تکمیل شده جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها

33. Institutional

۳۴. آمار مربوط به جامعه آماری از سایتهای اینترنتی دانشگاههای مورد نظر و نیز گزارشهای موجود در پایگاه اطلاع رسانی و اسناد مکتوب مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به‌دست آمده است.

۳۵. این نرم افزار با عنوان Sample Size Calculator در سایت www.surveysystem.com موجود است. مبنای محاسبات این نرم افزار همان جدول مورگان است.

از آزمونهای معنادار بودن تفاوت میانگینها^{۳۶} و تحلیل واریانس یک راهه^{۳۷} در محیط نرم افزار SPSS بهره‌برداری شد.

یافته‌ها

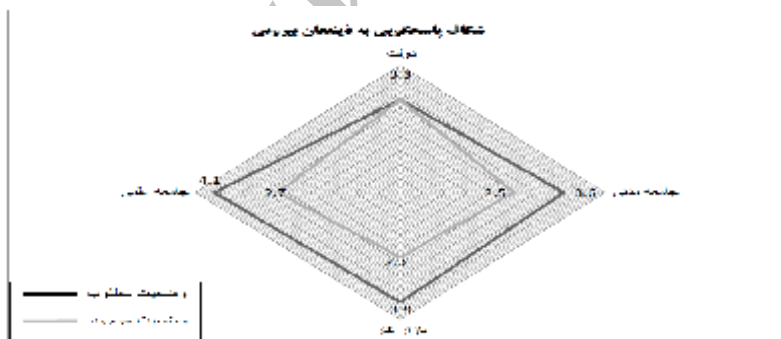
معرفی پاسخگویان: یافته‌های تحقیق نشان داد که ۲۰ درصد از پاسخگویان زن و ۷۶/۶ درصد مرد بودند و ۱/۴ درصد نیز جنسیت خود را مشخص نکردند. نسبت زنان به مردان در میان اعضای جامعه علمی یک به سه است. از نظر سنی بیشترین تعداد پاسخگویان به ترتیب در میان طبقات سنی ۳۱ تا ۴۰ سال (۳۵/۶٪)، زیر ۳۱ سال (۲۶/۹٪) و کمترین آن در میان افراد بالای ۵۱ سال (۱۳/۴٪) قرار دارند. از نظر مدرک تحصیلی، پاسخگویان به ترتیب ۳۵/۶٪ دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و دکترای حرفه‌ای، ۵۴/۵٪ دارای مدرک دکترای تخصصی و ۱/۵٪ دارای مدرک پسا دکترا بودند. ۸/۴٪ نیز نوع مدرک تحصیلی خود را بدون پاسخ گذاشتند. ۶۰٪ از پاسخگویان عضو هیئت علمی، ۲۹٪ دانشجوی دوره دکتری و ۱۱٪ نیز جزو پژوهشگران بودند. همچنین، ۲۲/۲٪ از پاسخگویان در رشته‌های گروه فنی و مهندسی، ۲۰٪ در رشته‌های علوم پایه، ۲۶/۹٪ در رشته‌های علوم انسانی، ۱۸/۵٪ در رشته‌های علوم کشاورزی و دامپزشکی و ۵/۶٪ در رشته‌های گروه هنر و سایر رشته‌ها قرار داشتند و ۶/۸٪ نیز این سؤال را بدون پاسخ گذاشتند. در مجموع، بیش از ۶۴٪ از پاسخگویان در جامعه مورد مطالعه از شغل خود رضایت داشتند (میانگین = ۳/۷۵).

شکاف پاسخگویی: نتایج به‌دست آمده نشان داد که اعضای جامعه مورد مطالعه، دانشگاههای «مادر» دولتی را در پاسخگویی به انتظارات و خواسته‌های ذینفعان بیرونی چهارگانه ناموفق می‌دانند و با اطمینان ۹۹٪ می‌توان ادعا کرد که از نظر آنان میان وضعیت مطلوب و وضعیت موجود پاسخگویی بیرونی دانشگاههای مورد مطالعه شکاف (اختلاف) معناداری (۱/۰۷-) وجود دارد. بیشترین شکاف به‌دست آمده به ترتیب مربوط به پاسخگویی دانشگاههای مورد نظر به بازار کار (۱/۵۵-)، جامعه علمی (۴۳/-) و جامعه مدنی (۱/۰۳-) است و این شکافها در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. در عین حال، از دیدگاه جامعه مورد مطالعه پاسخگویی دانشگاههای مورد نظر به دولت فراتر از حد انتظار است (۰/۲۵+). ولی این شکاف معنادار نیست. اطلاعات مربوط به شکاف پاسخگویی دانشگاههای دولتی به ذینفعان از دیدگاه جامعه علمی در جدول ۲ و نمودار ۱ آمده است.

جدول ۱- مقایسه شکاف پاسخگویی به ذینفعان بیرونی کلیدی از دیدگاه جامعه علمی

ذینفعان بیرونی	میانگین انتظارات	میانگین پاسخگویی	مقدار شکاف	انحراف معیار	درجه معناداری
پاسخگویی به جامعه علمی	۴/۱۰	۲/۷۰	-۱/۴۰	۱/۲۵	۰/۰۰۰
پاسخگویی به دولت	۳/۳۱	۳/۳۴	+۰/۰۳	۱/۳۱	۰/۸۰۲
پاسخگویی به جامعه مدنی	۳/۵۵	۲/۵۱	-۱/۰۳	۱/۱۱	۰/۰۰۰
پاسخگویی به بازار کار	۳/۸۹	۲/۳۳	-۱/۵۵	۱/۴۹	۰/۰۰۰
پاسخگویی کل	۳/۷۵	۲/۶۷	-۱/۰۷	۱/۰۳	۰/۰۰۰

ارزیابی شکاف پاسخگویی: به‌منظور کسب اطمینان از صحت درک جامعه آماری از شکاف پاسخگویی دانشگاه دو سؤال کلی ارزیابی نحوه تعامل دانشگاه با جامعه علمی و نیز ارزیابی کیفیت اطلاع‌رسانی و گزارش‌دهی دانشگاه به جامعه علمی در پرسشنامه گنجانده شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد در مجموع نیز نحوه تعامل و ارتباط دانشگاه‌های دولتی با جامعه علمی در حد ضعیف ارزیابی شده است (Mean= 2.44) و کیفیت اطلاع‌رسانی و گزارش‌دهی دانشگاه‌های مورد مطالعه به جامعه علمی نیز ضعیف است (Mean= 2.28). نتایج به‌دست آمده از این دو سؤال با شکاف کلی به‌دست آمده (Mean= 2.67) همخوانی دارد؛ به عبارت دیگر، نتایج به‌دست آمده از این دو سؤال شکاف به‌دست آمده را تأیید می‌کند و لذا، می‌توان ادعا کرد که نتایج ارزیابی جامعه علمی از میزان پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی به ذینفعان بیرونی کلیدی، دقیق و قابل اعتماد است. داده‌های مربوط به سؤالهای سه‌گانه یاد شده در جدول ۲ نشان داده شده است.



نمودار ۱ - مقایسه شکاف پاسخگویی به ذینفعان بیرونی در دانشگاه‌های دولتی

جدول ۲- ارزیابی پاسخگویان از کیفیت تعامل و گزارش‌دهی دانشگاه‌های دولتی و رضایت شغلی

ارزیابی	انحراف معیار	میانگین	حداقل	حداکثر	ابعاد پاسخگویی دانشگاه
ضعیف	۰/۹۹	۲/۴۴	۱	۵	کیفیت ارتباط و تعامل با جامعه علمی
ضعیف	۰/۹۵	۲/۲۸	۱	۵	کیفیت اطلاع‌رسانی و گزارش‌دهی به جامعه علمی

اطلاعات مورد نیاز جامعه علمی از دانشگاههای دولتی: بر اساس داده‌های به‌دست آمده تقریباً همه اعضای جامعه علمی (۹۵/۴٪) خواهان اطلاعات بیشتر، دقیق‌تر و با کیفیت‌تری از دانشگاههای دولتی هستند. اطلاعات و گزارشهای مورد نیاز آنان بر اساس جدول ۴ اولویت بندی شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از دیدگاه جامعه علمی کسب اطلاعات از کمیّت و کیفیت نتایج و خروجیهای دانشگاه بیشترین اهمیت (۴۷/۳٪) و کسب اطلاعات مربوط به کمیّت و کیفیت کارکنان دانشگاهها کمترین اهمیت را دارد (۰/۸٪)؛ به عبارت دیگر، جامعه علمی بیش از هر چیز خواهان گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی دانشگاههای دولتی در باره کمیّت و کیفیت نتایج و دستاوردهای خود هستند و کسب اطلاعات از کمیّت و کیفیت فرایندهای دانشگاهی، استادان، منابع مالی و هزینه‌ها، دانشجویان، مدیران دانشگاهی و کارکنان در اولویتهای بعدی قرار دارند.

جدول ۳- اولویت‌بندی گزارشها و اطلاعات مورد علاقه جامعه علمی از دانشگاههای دولتی

درصد	اولویت	نوع گزارشها و اطلاعات
۴۷/۳	۱	کمیّت و کیفیت نتایج، خروجیها، محصولات، موفقیتها و دستاوردهای دانشگاه
۲۸/۲	۲	کمیّت و کیفیت فرایندهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه
۱۳/۰	۳	کمیّت و کیفیت استادان
۳/۸	۴	کمیّت و کیفیت منابع مالی، درآمدها و هزینه‌های دانشگاه
۳/۸	۴	کمیّت و کیفیت دانشجویان
۳/۱	۵	کمیّت و کیفیت مدیران دانشگاه
۰/۸	۶	کمیّت و کیفیت کارکنان
۱۰۰	-	جمع

روابط میان متغیرها: بین متغیرهای سن، جنسیت، رشته تحصیلی، دانشگاه محل کار، مدرک تحصیلی، تجربه مدیریتی در دانشگاه و میزان رضایت شغلی که از نظر محققان می‌توانست در ارتباط با نحوه ارزیابی جامعه آماری از پاسخگویی بیرونی دانشگاههای دولتی مورد توجه قرار گیرد، در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه آماری معناداری به‌دست نیامد.

آزمون رابطه میان متغیر ارزیابی از نحوه پاسخگویی به ذینفعان بیرونی کلیدی با متغیرهای تجربه مدیریتی و شغل پاسخگو (هیئت علمی/ دانشجوی دکتری/ پژوهشگر) نشان داد که این رابطه‌ها (۰/۳۳) و (۰/۴۶) در سطح ۹۵٪ معنادار است، بدین معنا که اعضای هیئت علمی دارای تجربه مدیریت در دانشگاه در مقایسه با سایر اعضای هیئت علمی، دانشجویان دکتری و پژوهشگران، میزان پاسخگویی دانشگاه را مناسب‌تر ارزیابی کرده‌اند و در مقایسه با دو گروه دیگر اعتقاد دارند دانشگاههای دولتی به ذینفعان خود پاسخگوتر بوده‌اند.

جدول ۴ - رابطه میان تجربه مدیریتی و شغل پاسخگویان با ارزیابی پاسخگویی دانشگاه

متغیر	میانگین پاسخگویی	انحراف معیار	درجه معناداری
تجربه مدیریت	دارد	۲/۸۴	۰/۰۳۲
	ندارد	۲/۵۹	
شغل	عضو هیئت علمی	۲/۷۸	۰/۰۴۶
	دانشجوی دکتری	۲/۵۲	
	پژوهشگر	۲/۴۸	

بحث و نتیجه گیری

مدیریت دانشگاهها به شدت تحت تأثیر محیط بیرونی است و دانشگاه برای ادامه حیات خود باید در برابر محیط بیرونی پاسخگو باشد (Sanyal, 2000). این الزام در حالی است که از یک سو ویژگیهای دانشگاه با سایر سازمانها چنان متفاوت است که نظریه های سنتی مدیریت کاربردی در آنها ندارند (Birnbaum, 1991) و از سوی دیگر، به نظر می رسد که دانشگاههای دولتی بیشتر از آنکه در پی تغییر باشند، متعهد به حفظ وضعیت موجودند و وضعیت موجود تنها راه حلی است که نمی توان آن را وتو کرد (Kerr, 1982). چرا که ایجاد تغییرات گسترده فرهنگی در دانشگاهها تقریباً غیر عملی می نماید و بیشتر دانشگاهها، به ویژه دانشگاههای بزرگ، معمولاً در حال رخوت و سستی به سر می برند (Becher and Kogan, 1992). این واقعیت به ویژه در دانشگاههای دولتی کشورهایی مانند ایران که از یک سو به شدت به منابع سهل الوصول دولتی دسترسی دارند و از سوی دیگر، مقررات دولتی و بوروکراسی نظام اداری دست و پای آنها را در ایجاد تغییرات بنیادین بسته است، پر رنگ تر و آشکارتر است. در جوامع دانش بنیان امروزی همگان از دانشگاه انتظار دارند که در بحث تحول و توسعه پیشگام باشد، در حالی که برای ایجاد تحول و توسعه در درون دانشگاهها تلاش اندکی به عمل آمده است که به دلیل نبود نظامهای اثربخش سنجش و ارزیابی، اطلاعات درستی از دستاوردهای آن نیز در دسترس ذینفعان به ویژه ذینفعان غیر دولتی نیست. همه این شواهد و واقعیتها ما را به این مسیر هدایت می کند که دانشگاه باید پاسخگوی نیازها و انتظارات پویای ذینفعان خود باشد تا بتواند اعتماد، حمایت و مشارکت آنان را در ایفای موفقیت آمیز رسالتها و مأموریتهای خود و تأمین منافع ذینفعان جلب کند.

رضایت ذینفعان مهم ترین هدف نظامهای پاسخگوست (UNDP, 2007)، لذا، این مطالعه بر ارزیابی دیدگاههای جامعه علمی که یکی از مهم ترین ذینفعان آموزش عالی است، متمرکز شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از دیدگاه جامعه علمی پاسخگویی بیرونی به ذینفعان بیرونی کلیدی اهمیت زیادی دارد. از نظر آنان دانشگاههای دولتی بیش از همه باید در برابر نیازها و انتظارات بازار کار پاسخگو باشند و دانش آموختگان قابل و با کیفیتی را به بازار کار تحویل دهند؛ یعنی پرورش نیروی کار شایسته، متخصص و توانمند، مهم ترین رسالت و اولویت کاری دانشگاه است. این یافته با توصیه ها و سیاستهای

نهادهای مهم بین‌المللی مانند یونسکو (UNESCO, 1998) همخوانی دارد. در این خصوص، بازرگان (Bazargan, 1994) بر اصلاح و تقویت نظام آموزش عالی برای پرورش دانش‌آموختگان با مهارت بالای کار آفرینی و آراسته (Arasteh, 2003) نیز بر ضرورت تحول در برنامه‌های دانشگاهی با هدف پاسخگویی به نیازهای بازار کار تأکید کرده‌اند. همچنین، دیدگاههای جامعه علمی مورد مطالعه با سیر تکوینی پاسخگویی دانشگاهها از پاسخگویی دولت محور^{۳۸} به پاسخگویی بازار محور^{۳۹} که هریس و هرینگتون (Haris and Herington, 2006) بر آن تأکید دارند، همسویی دارد.

از نظر جامعه مورد مطالعه، پاسخگویی دانشگاه به خود جامعه علمی در مرحله دوم اهمیت قرار دارد. این یافته نشان‌دهنده موضوع با اهمیتی است، به معنای اینکه جامعه علمی مورد مطالعه، پاسخگویی دانشگاه به نیازهای بازار کار را مهم‌تر از پاسخگویی آنها به انتظارات و خواسته‌های هم‌تایان و همکاران خودشان (نیازهای حرفه) می‌داند؛ به عبارت دیگر، آنها دانشگاهی را پاسخگوتر می‌دانند که در درجه اول تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی - اجتماعی جامعه باشد، نه اینکه صرفاً در خدمت دغدغه‌ها و علایق علمی و حرفه‌ای دانشگاهیان باشد (Ghaneirad, 2003). پاسخگویی به نهادهای جامعه مدنی در اولویت سوم قرار دارد و در نهایت، پاسخگویی به دولت و نهادهای دولتی در مرتبه چهارم اهمیت واقع شده است. ادراکات جامعه مورد مطالعه، با دیدگاههای بیرن بائوم (Birnbau, 1991) و قانع‌راد (Ghaneirad, 2003) همسویی دارد. بیرن بائوم اعتقاد دارد که دانشگاههای دولتی بیشتر وامدار مدیران دولتی هستند و این وضعیت حس مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به ذینفعان بیرونی را کاهش می‌دهد. قانع‌راد نیز معتقد است بوروکراتیزه کردن دانشگاه آن را ناکارآمد می‌سازد و دانشگاه بوروکراتیک نه می‌تواند متفکر تربیت کند و نه حتی بوروکرات توانمند تحویل جامعه می‌دهد.

البته، اعضای جامعه علمی مورد مطالعه، علی‌رغم اهمیت بالایی که برای پاسخگویی دانشگاه به ذینفعان بیرونی قایل هستند، اعتقاد دارند که دانشگاههای «مادر» دولتی در پاسخگویی به ذینفعان بیرونی کلیدی موفقیت‌چندانی نداشته‌اند. این یافته با یافته‌های برخی دیگر از محققان (Kebriaei, 2006; Agha Mollaei, 2005; et al.) در خصوص ضعف مؤلفه پاسخگویی در کیفیت خدمات آموزشی همخوانی دارد و نیز یافته‌های مطالعه آذرگشسب و همکاران (Azargoshab, 2007; et al.) مبنی بر اینکه وظیفه پاسخگویی به عنوان اولویت آخر در وظایف هیئت امنا قرار دارد را تأیید می‌کند. در ادراکات جامعه مورد مطالعه، موفق نبودن دانشگاه به‌ویژه در شاخصهای پاسخگویی به بازار کار و نیز جامعه علمی مشهودتر بوده است. نبودن انگیزه و اشتیاق کافی در میان دانشگاهیان در خصوص برقراری ارتباط و پاسخگویی به ذینفعان بیرونی و نیز ضعف نظام آموزش عالی و مدیریت

38 . Government Based Accountability (GBA)

39 . Market Based Accountability (MBA)

دانشگاهها در حساس‌سازی و آگاه‌سازی دانشگاهیان به اهمیت پاسخگویی به ذینفعان بیرونی در توسعه علمی و تعالی دانشگاههای دولتی، می‌تواند در بروز این شرایط مؤثر باشد.

مهم‌ترین علل عدم پاسخگویی کافی دانشگاه به بازار کار را می‌توان در وابستگی کامل آنها به منابع دولتی و نبود احساس نیاز به کسب درآمد از صنعت و بازار کار، نبود ارتباط مستمر، پویا و مؤثر با بازار کار نبود نظام اثربخش پیگیری و سنجش دستاوردهای دانشگاه به‌ویژه قابلیت‌های دانش‌آموختگان و وضعیت اشتغال‌پذیری آنان جستجو کرد.

در مقایسه نتایج به‌دست آمده از مطالعه دیدگاه‌های جامعه علمی با الگوهای چهارگانه پاسخگویی دانشگاههای دولتی (شکل ۴) می‌توان نتیجه گرفت که جامعه علمی علاقه‌مند است که الگوی مدیریت پاسخگویی در دانشگاهها به ترتیب اهمیت و اولویت به سمت الگوهای دانشگاه تجاری و کارآفرین، دانشگاه آکادمیک و حرفه‌ای، دانشگاه مدنی و سیاسی و در نهایت، دانشگاه بوروکراتیک و وابسته باشد. در حالی که عملاً پاسخگویی دانشگاههای دولتی به ترتیب از الگوهای دانشگاه بوروکراتیک و وابسته، دانشگاه آکادمیک و حرفه‌ای، دانشگاه مدنی و سیاسی و دانشگاه تجاری و کارآفرین پیروی می‌کند. لذا، لازم است تغییر و اصلاح رویکرد میان کنشگران و کارگزاران اصلی آموزش عالی و دانشگاهیان در خصوص جایگزینی الگوهای صحیح مدیریت پاسخگویی در دانشگاههای دولتی ایجاد شود.

همچنین، بر اساس نتایج تحقیق می‌توان ادعا کرد که خواسته‌ها و انتظارات جامعه علمی نسبت به پاسخگویی دانشگاههای «مادر» دولتی، بدون در نظر گرفتن متغیرهای فردی و زمینه‌ای، تقریباً خواسته‌ها و انتظارات عام و مشترکی است. این یافته می‌تواند با نتایج تحقیق ترک‌زاده و همکاران (Turkzadeh et al., 2008) مبنی بر بی‌ارتباط بودن نوع دانشگاه با وضعیت توسعه سازمانی آنها همخوانی داشته باشد.

همچنین، نتایج مطالعه نشان داد که فرایند ارتباط و تعامل دانشگاههای دولتی با ذینفعان و نیز نحوه گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی به آنان ضعیف است. هر چند گزارش‌دهی به ذینفعان به تنهایی برای پاسخگویی کافی نیست (Burke and Minassians, 2003)، ولی بدون گزارش‌دهی نیز پاسخگویی محقق نمی‌شود. ضعف در کمیت و کیفیت اطلاع‌رسانی و گزارش‌دهی دانشگاههای دولتی به ذینفعان موجب شده است که ذینفعان جامعه علمی خواهان اطلاعات بیشتر، دقیق‌تر و با کیفیت‌تری از دانشگاههای دولتی به‌ویژه در باره خروجیها و دستاوردهای دانشگاه باشند. ضعف گزارش‌دهی در دانشگاههای دولتی می‌تواند ناشی از نبود انگیزه یا نقص در ساختارها و سازکارهای کافی و اثربخش ارتباطی و اطلاعاتی و گزارش‌دهی عمومی و اختصاصی باشد.

پیشنهادهای

اگر چه کاهش یا پر کردن شکاف پاسخگویی موجود مستلزم تحقق راهبرد پاسخگویی متقابل و ایجاد تغییر و تحول راهبردی و عملیاتی در هر دو سوی سکه پاسخگویی؛ یعنی دانشگاهها در یک سو و ذینفعان بیرونی کلیدی آنها در سوی دیگر است، ولی از آنجا که کیفیت پاسخگویی بیرونی هر نظامی از جمله دانشگاههای دولتی با سرنوشت و بقا یا فانی آنها پیوند دارد، بنابر این، به نظر می‌رسد که پیشتر و بیشتر از ذینفعان بیرونی، خود دانشگاههای دولتی‌اند که باید در ارتقای پاسخگویی به شکل درونزا بکوشند و از فشارها و توقعات فزاینده و پویای ذینفعان به‌عنوان یک نیروی پیش برنده در این مسیر استفاده کنند. در این خصوص لازم است در ابعاد فرهنگی، ساختاری و عملکردی تغییرات و اصلاحات گسترده‌ای با هدف زمینه‌سازی برای ارتقای پاسخگویی دانشگاههای دولتی به ذینفعان بیرونی با اولویت پاسخگویی به بازار کار، جامعه علمی، جامعه مدنی و دولت از سوی دانشگاههای دولتی برنامه‌ریزی و اجرا شود.

از زاویه تغییر و تحولات فرهنگی، مدیران و رهبران دانشگاهی لازم است راهبرد «توسعه فرهنگ پاسخگویی» در میان دانشگاهیان و ایجاد شناخت و باور عمیق به اهمیت و تأثیرگذاری پاسخگویی در موفقیت و تعالی دانشگاه را به‌عنوان یک سیاست و راهبرد مؤثر برد - برد اتخاذ و ترویج کنند. از نظر ساختاری، باید راهبرد «دانشگاه مستقل پاسخگو» از سوی ذینفعان کلیدی، به‌ویژه دولت، به رسمیت شناخته شود. در این خصوص لازم است اختیارات بیشتری به دانشگاهها داده شود و سیاستگذاری مؤثری برای پاسخگو سازی همراه با علاقه‌مندی و مشارکت دانشگاهیان صورت پذیرد. چون بدون استقلال کافی، دانشگاهها علاقه‌مند خواهند بود مسئولیتها را به سمت دولت و نهادهای تصمیم‌گیر و مداخله‌گر سوق دهند و در غیاب پاسخگویی نیز به دلیل نبود نظارت و شفافیت کافی و امکان بروز نقص یا انحراف و خطا در عملکرد، استقلال دانشگاهها می‌تواند موجب بی‌اعتمادی و کاهش مشروعیت و در نتیجه، تزلزل منزلت و پایگاه سنتی و قوی دانشگاهیان در جامعه شود.

استقرار نظامها و زیرساختهای لازم برای تنوع بخشی به منابع درآمدی دانشگاهها، فناوریهای ارتباطات و اطلاعات و نظامهای خبره و هوشمند پشتیبانی از تصمیم‌های مدیران دانشگاهی و دیگر سازکارهای تسهیل‌گر و زمینه‌ساز پاسخگویی بیرونی مانند نظام مدیریت ارتباط با مشتریان و ذینفعان دانشگاه، چاره‌ساز خواهد بود.

لازم است دانشگاهها با باز اندیشی در شیوه ارتباط با ذینفعان کلیدی و اصلاح نظامهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود امکان تهیه و انتشار اطلاعات و گزارشهای سودمند برای ذینفعان بیرونی را فراهم سازند. از جمله الزامات این مهم توافق با ذینفعان کلیدی در باره شاخصهای کلیدی عملکرد دانشگاههای دولتی با تأکید و تمرکز بر پیامدها و دستاوردهای دانشگاه است.

به دلیل ضعف منابع مالی و نبود مهارت و انگیزه کافی در دانشگاه‌های دولتی، سیاست‌ها و اقدامات حمایتی ذینفعان بیرونی کلیدی برای توانمندسازی دانشگاه‌ها و ایجاد منابع و زیرساخت‌های لازم برای ارتقای پاسخگویی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

به لحاظ عملکردی نیز باید اصل پاسخگویی بیرونی را همانند دیگر اصول حرفه‌ای محیط‌های آکادمیک مانند آزادی علمی، استقلال دانشگاهی و اخلاق و استانداردهای حرفه‌ای در کانون و محور برنامه‌ها و فرایندهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه‌های دولتی قرار داد و از این طریق نیازها و انتظارات ذینفعان بیرونی کلیدی را با فعالیتهای علمی روزانه گروه‌های آموزشی و اعضای هیئت علمی پیوند داد تا هم رضایت و اعتماد ذینفعان به دانشگاه افزایش یابد و هم دانشگاه شاهد اثربخشی فعالیتهای خود باشد و بتواند به واسطه پاسخگویی بهتر به محیط و ذینفعان، منافع و منابع مادی و غیر مادی زیادی را نصیب خود سازد.

References

1. Agha Mollaei, Teymour (2006); "The Gap of Educational Services: Hormozgan Medical Sciences University Students' Point of View"; *Steps in Medical Education*, Vol. 3, No. 2 (in Persian).
2. Alvani, S. Mahdi and Danaeifard, Hasan(2001); "Public Administration and Public Trust"; *Management Knowledge Research Quarterly*, No. 55, pp. 5-28 (in Persian).
3. Arasteh, Hamidreza (2005); "Evolution of Higher Education: Historical Changes and the Existing Problems among Developing Countries"; *Rahyافت Journal*, No. 26 (in Persian).
4. Arasteh, Hamidreza(2003); "The Role of Higher Education in Realizing Iran's Development Perspective"; *Rahyافت Journal*, No. 31, pp. 33-42(in Persian).
5. Azarargoshasb, Eznollah, Arasteh, Hamidreza, Sabaghian, Zahra and Toufighi, Jafar(2007); "An Evaluation of Boards of Trustees' Functions in Public Universities Affiliated to Ministry of Science, Research, and Technology"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 4, No. 1(in Persian).
6. Bazargan, Abbas (1994); "Education for Entrepreneurship in Non-organized Sector of Economy"; *Management Knowledge Research Quarterly*, No. 25, pp. 3-9 (in Persian).
7. Becher, Tony and Kogan, Maurice(1992); *Process and Structure in Higher Education*; Routledge: London.

8. Birnbaum, Robert (1991); *How Colleges Work: The Cybernetics of Academic Organization and Leadership*; Jossey-Bass Higher Education Series.
9. Burke, Joseph C. and Minassians, Henrik (2003); Performance Reporting: "Real" Accountability or Accountability "Lite" Seventh Annual Survey; The Nelson, A.; *Rockefeller Institute of Government*; State University of New York, Albany, New York.
10. Burke, Joseph C.(2004): *Achieving Accountability in Higher Education: Balancing Public, Academic and Market Demands*; Jossey – Bass.
11. Danaeifard, Hassan(2007); "Knowledge based Economy and Saving Institutional Totality of University"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 10, No. 3, pp. 163- 193(in Persian).
12. Day, Patricia and Klein, Robert (1987); *Accountabilities: Five Public Services*; London: Tavistock.
13. Des Rosiers, Nathalie (2008); *Academic Freedom*; Annual Meeting of Northeast Association of Graduate Schools, New York.
14. Detch, Ethel R., Wright, Douglas, Hausser, Ginger, Ogden, Emily, Hardin, Connie, Thurman, David, Davis, Paula, Bradley, Bill, Abernathy, Pete and Cavender, Jason (2001); "Measuring Performance in Higher Education"; Office of Research Comptroller of the Treasury; Tennessee Higher Education Commission; Available at: <http://gatton.uky.edu/>
15. Duff, R.A. (2009); "Answering for Crime: Responsibility and Liability in thw Criminal Law"; *Edinburgh Law Review*, Vol. 13, No. 1, pp. 163-165.
16. Ezati, Mitra(2007); "The Role of Performance Budgeting in Accountability of Higher Education"; 2th International Conference of Performance Budgeting in Iran; Available at: www.civilica.com/Paper-IPBBC01-IPBBC01_011.html(in Persian).
17. Fiouzat, Yahya(1977); "Making the Educational System Accountable"; *The Letter of Research Center*; Communication and Development Sciences of Iran (in Persian).
18. Ghaneirad, Mohammad Amin(2003); *Non-concurrency of Knowledge: Interaction of Science and Socio-Cultural Systems in Iran*; National Research Center for Science Policy, Tehran(in Persian).

19. Gortner, H. F., Nichols, K. L. and Ball, C.(2007); *Organization Theory: A Public and Non-profit Perspective (3rd ed.)*; Belmont, CA: Wadsworth.
20. Harris, Douglas N. and Herington, Carolyn D. (2006); "Accountability, Standards, and the Growing Achievement Gap: Lessons from the Past Half-century"; *American Journal of Education*, Vol. 112, No. 2, pp. 209-238.
21. Kebriaei, Ali, Roudbari, Masoud, Rakhshaninejad, Malek and Mirlatifi, Parvizreza(2005); "Evaluating Educational Services; Zahedan Medical Sciences University's Students Point of View"; *Tabibe-Shargh*, Vol.7, No. 2, pp. 139-146 (in Persian).
22. Kerr, Clark (1982); *The Uses of the University*; Harvard University Press.
23. Keyvani, Jafar and Farasatkah, Maghsoud(2002); "The Process of Quality Assurance in Higher Education: Typology of Global Practices"; Knowledge Based Development Conference; Available at: http://www.civilica.com/Paper-CKBD01-CKBD01_007.html (in Persian).
24. Khaleghi, Hasan(2007); "Iran's Mother Universities Selected"; Interview with Iran Student News Agency(ISNA), Ebtekar Newspaper; No. 1128 (in Persian).
25. Leveille, David E.(2005); "An Emerging View on Accountability in American Higher Education"; *CSHE*, California: Berkeley, Available at: www.cshe.berkeley.edu
26. Lingenfelter, Paul (2005); "Accountability and the Money: Testimony for the National Commission on the Future of Higher Education"; State Higher Education Executive Officers.
27. Linn, R. L. (2000); "Assessments and Accountability"; *Educational Researcher*, Vol. 29, No. 2, pp. 4-16.
28. Neligan, Caroline (2003); *Increasing Accountability through External Stakeholder Engagement*; One World Trust, Houses of Parliament, London.
29. Rahimi, Hosein, Mohammadi, Reza and Hashemiparast, S. Moghteda(2002); Quality Assurance in Higher Education: Concepts, Principals and Practices; Knowledge Based Development Conference; Available at: http://www.civilica.com/Paper-CKBD01-CKBD01_007.html (in Persian).

30. Sabouhi, Farahnaz and Akhlaghi, Malihe(2007); "Evaluating Higher Education Situation in 4TH Program of Iran Social and Cultural Development"; Available at: www.bashgah.net/fa/content/show/12797 (in Persian).
31. Sanyal, Bikas C. (1995); *Innovations in University Management*; Unesco/ IIEP, Paris.
32. Toufighi, Jafar(2007); "Opposing with Centralized Management in Ministry of Science, Research and Technology"; Interview to Etemaad Newspaper; No. 1342 (in Persian).
33. Tourkzadeh, Jafar, Sabaghian, Zahra, Yamaniduzu Sorkhabi, Mohammad and Delavar, Ali(2008); "An Evaluation of Organizational Development in Universities Affiliated to Ministry of Science, Research and Technology"; *Quarterly of Iran Higher Education Association*, Vol. 1, No. 2, pp. 31-50 (in Persian).
34. Turner, Mark and Hulme, David (1997); *Governance, Administration and Development: Making the State Work*; Macmillan Press Ltd., ISBN0-333-56753-6.
35. UNDP (2007); Available at: www.undp.org/toolkit/mod082.html
36. UNESCO (1998); "World Declaration on Higher Education for the Twenty-First Century"; World Conference on Higher Education; Paris: October 1998.
37. Wagner, Robert B. (1989); *Accountability in Education: A Philosophical Inquiry*; Routledge.